

# فرهنگ‌نامهٔ جاودانه‌های تاریخ

زندگینامهٔ فرماندهان شهید استان اصفهان (جلد دوم)

نویسنده: دکتر اصغر مستظرفقائم

استاد دانشگاه اصفهان



کتابخانه ملی



|    |                                            |
|----|--------------------------------------------|
| ۱۱ | سخن پیر شهید و امور ایثارگران استان اصفهان |
| ۱۵ | مقدمه                                      |
| ۱۵ | شهادت در فرهنگ اسلام و تشیع                |
| ۱۶ | اقسام مرگ                                  |
| ۱۷ | شکل‌گیری فرهنگ شهادت الهی در اسلام         |
| ۲۱ | تأسف از عدم شهادت                          |
| ۲۱ | رابطه جهاد و شهادت                         |
| ۲۴ | ارکان شهادت                                |
| ۲۵ | زنده بودن شهید                             |
| ۲۵ | منطق شهید                                  |
| ۲۹ | زیارت شهدا                                 |
| ۳۰ | شفاعت شهید                                 |
| ۳۱ | شهید اسوه مسلمانان                         |
| ۳۲ | فرماندهان شهید استان اصفهان                |
| ۳۷ | فهرست منابع مقدمه                          |
| ۳۹ | محمد سین آریائزاد                          |
| ۴۵ | سعید آزادی فرد                             |
| ۴۹ | ابوالقاسم آشتی جو                          |
| ۵۵ | رضا آقاباباگلی                             |
| ۶۲ | اکبر آقابابائی                             |
| ۶۹ | غلامرضا آفاخانی                            |

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۷۳  | عباسعلی آقاسی                 |
| ۷۷  | مرتضی آقایی                   |
| ۸۲  | ناصر آقایی                    |
| ۸۹  | احمد رضا ابراهیمی (نجف آباد)  |
| ۹۵  | احمد رضا ابراهیمی (خمینی شهر) |
| ۱۰۱ | جعفر ابراهیمی خوزانی          |
| ۱۰۶ | محمد تقی ابراهیمی قهدریجانی   |
| ۱۱۵ | بشیر ابراهیمیان خورزوقی       |
| ۱۱۹ | حسین ابوالحسنی                |
| ۱۲۸ | حسینعلی ابوالقاسمی (نجف آباد) |
| ۱۳۴ | مسعود ادهمی (فریدون شهر)      |
| ۱۳۹ | موسی ادبی حاجی باقری          |
| ۱۴۵ | غلامحسین بدلی                 |
| ۱۵۵ | علی محمد اربعی بدگلی          |
| ۱۶۰ | محمد اسحاقی درویش             |
| ۱۶۴ | محمود اسدی برون آبادی         |
| ۱۶۸ | محمد رضا اسدی                 |
| ۱۷۳ | بهرام اسفنانی                 |
| ۱۷۶ | عزت الله اصلانی               |
| ۱۸۰ | سید علی اکبر اعتصامی          |
| ۱۸۶ | جلال افشار                    |
| ۱۹۵ | محمد افغانی                   |
| ۲۰۵ | احمد افلاکیان                 |
| ۲۰۸ | امیر قلی افلاکیان             |
| ۲۱۲ | محمد رضا افیونی               |
| ۲۱۸ | حسینعلی اکبری                 |
| ۲۱۵ | حسن اقارب پرست                |
| ۲۳۳ | احمد اقتداری                  |
| ۲۳۷ | ابراهیم اکبری کلیشادی         |
| ۲۴۳ | محسن الشریف                   |
| ۲۴۸ | مصطفی الله بخش                |

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۲۵۵ | حسین امامی                      |
| ۲۶۰ | رضا امانی بنی                   |
| ۲۶۵ | سید مرتضی امیدیان               |
| ۲۷۰ | اصغر امین الرعایا               |
| ۲۷۵ | اسماعیل انتشاری                 |
| ۲۸۲ | اکبر انتشاری                    |
| ۲۸۷ | سید محمد انصارالحسین            |
| ۲۹۲ | تقی اباری علی آبادی             |
| ۲۹۸ | عارضا ایراندوست                 |
| ۳۰۳ | احمد ایزدی                      |
| ۳۰۸ | عبدالحمید ایزدی                 |
| ۳۱۴ | علی ایمانی                      |
| ۳۱۹ | عزیزالله بایم                   |
| ۳۲۳ | سعید بارباز اسفهان              |
| ۳۲۷ | محمد علی باغبان                 |
| ۳۳۲ | اکبر باغستانی                   |
| ۳۳۶ | علی باقری طادی                  |
| ۳۳۹ | احمد باقری کچی                  |
| ۳۴۵ | عبدالله (فریدون) بختیاری رهنائی |
| ۳۵۲ | غلامعلی بدیچی جوی آبادی         |
| ۳۵۶ | حسین برهائی                     |
| ۳۶۱ | سیدعلیرضا بنی طباطبائی          |
| ۳۶۷ | براعتلی بهرامیان رهنائی         |
| ۳۷۲ | عبدالرضا بی ریائی نجف آبادی     |
| ۳۷۹ | حسین پارسا                      |
| ۳۸۵ | علی محمد پاینده                 |
| ۳۹۱ | سعید پزشکی                      |
| ۳۹۶ | محمد تقی پکوک                   |
| ۴۰۱ | محمود پهلوان نژاد               |
| ۴۰۶ | محمد رضا پور اسماعیلی           |
| ۴۱۲ | محمد حسین پور قاسمی             |

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۴۱۶ | محمود پور مہدی            |
| ۴۲۰ | علیرضا پور محرابی         |
| ۴۲۴ | عباس پیکری                |
| ۴۲۸ | عباس تابنده               |
| ۴۳۵ | مجید تاجمیر ریاحی         |
| ۴۳۹ | حسن ترک لادانی            |
| ۴۴۴ | مصطفی تقی جراح            |
| ۴۵۱ | یدالله تقی یار            |
| ۴۵۷ | محمد رضا تورجی زاده       |
| ۴۶۳ | عشر علی توکلی             |
| ۴۷۲ | مرتضی تہ کلی کاشی         |
| ۴۷۸ | مرتضی تیمسار              |
| ۴۸۱ | رحمان ثریا                |
| ۴۸۸ | مرتضی طارچی               |
| ۴۹۳ | حبیب اللہ جرنالی          |
| ۴۹۶ | اصغر جبلی                 |
| ۵۰۲ | محمد رضا جعفر پیشہ        |
| ۵۰۶ | برائے علی جعفری           |
| ۵۱۱ | نعمت اللہ جعفری ریزی      |
| ۵۱۴ | عباس علی جلالی            |
| ۵۱۷ | عبد اللہ جمالی قہدری جانی |
| ۵۲۵ | محمد رضا جمدی             |
| ۵۳۲ | محمد جنت دستجردی          |
| ۵۳۶ | رضا جوادی                 |
| ۵۴۰ | علیرضا جوادی              |
| ۵۴۴ | مرتضی جوادی               |
| ۵۴۸ | اصغر جوانی                |
| ۵۵۳ | سید عباس جولایی           |
| ۵۵۷ | سید محسن جولایی           |
| ۵۶۲ | عباس چوپانی مولنجان       |
| ۵۶۶ | عباس علی حاج امینی        |

|          |                                |
|----------|--------------------------------|
| ۵۷۱..... | نعمت اللہ حاجیان.....          |
| ۵۷۵..... | محمد رضا حبیب الہی.....        |
| ۵۸۱..... | محمد حسن حبیبی.....            |
| ۵۸۴..... | ابوالقاسم حجتی.....            |
| ۵۹۱..... | احمد حجتی.....                 |
| ۵۹۸..... | کاظم حجتی.....                 |
| ۶۰۳..... | محمد علی حجتی.....             |
| ۶۰۹..... | محمود حری.....                 |
| ۶۱۶..... | عاشق حسن پور مقدم اصفہانی..... |
| ۶۲۴..... | محمد حسن زادہ.....             |
| ۶۲۹..... | سید حسن حسینی.....             |
| ۶۳۵..... | سید محمد حارثی.....            |
| ۶۴۱..... | سید احمد حسینی بہارچی.....     |
| ۶۴۵..... | سید مہدی حسینی.....            |
| ۶۵۱..... | سید اصغر حسینی.....            |
| ۶۵۵..... | جعفر حشمتی فر.....             |
| ۶۵۹..... | احمد حمزہ صادق آبادی.....      |
| ۶۶۲..... | علیرضا حیدری.....              |
| ۶۶۷..... | مرتضی حیدری رامشہ.....         |

## مقدمه

## شهادت در فرهنگ اسلام و تشیع

کلمه شهادت از ریشه شَهِدَ (sahida) به معنای بیان اعتقاد، ذکر شریعت، شهادت دادن، اعتراف کردن، اقرار کردن، گواهی دادن، تصدیق کردن، دُعا کردن است. جمع شهید (sahid) شهداست و به معنای گواهی شهید میدان جنگ، بیان اعتقاد، ذکر شهادتین، شهید شدن در راه دین و شاه است. جمع شاهد، شهود (suhud) و اَشهاد است. شهید از اسم خداوند است و به معنای کسی است که در راه خداوند کشته شده است و به همین دلیل به او شهید گویند؛ زیرا خداوند و ملائکه گواهی می دهند که بهشت جایگاه اوست (ابن منظور، ج ۷، ص ۲۲۵). بدین سان در فرهنگ اسلامی اصطلاح شهادت به سه معنای قضایی و شهادت و گواه، بیان اعتقاد و پناستگی خداوند و کشته شدن در میدان جنگ در راه خدا به کار می رود. در این مقدمه به معنای سوم توجه و تمرکز دارد. روش تحقیق در این مقدمه توصیفی-تحلیلی است و فرضیه آن این است که فرهنگ شهادت موجب تداوم هویت تشیع در طول تاریخ و دفاع مقدس بوده است.

## اقسام مرگ:

تاریخ بشریت به ما نشان می‌دهد انسان با مرگ‌ومیرهای گوناگونی دست‌وپنجه نرم می‌کند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- مرگ طبیعی که فرد عمر طبیعی خود را به پایان می‌رساند و از دنیا می‌رود. این نوع مرگ افتخاری ندارد؛ مگر اینکه متوفی در خدمت به بشریت منشأ خدماتی باشد.

۲- مرگ‌ومیری که بر اثر سوانح طبیعی مثل زلزله و بیماری و حوادث مشابه اتفاق افتاده باشد. این نوع مرگ‌ومیر قداست ندارد و تنهاده‌ها می‌شوند.

۳- مرگی که بر اثر یک جنایت اتفاق می‌افتد؛ مثلاً جنایت کاری از روی خباثت و هوا و دوس به مدرسه‌ای حمله می‌کند و یا جنایت کاری مثل نرون، آتیل، چنگیز، تیمور، هیتلر، صدام حسین و یا گروه داعش عده‌بی‌شماری را قتل عام می‌کند. این مرگ‌ومیر اگرچه تأسف‌برانگیز است، افتخار ندارد.

۴- مرگ‌ومیری که منجر به شهادت می‌شود. فردی شهادت طلب و تلاشگر برای هدفی مقدس خطرات احتمالی راه می‌بندد و در آن راه کشته می‌شود. این نوع مرگ برای همه ملت‌ها مقدس و افتخارآفرین است.



## شکل‌گیری فرهنگ شهادت‌طلبی در اسلام:

عصر رسول‌الله (ص) دوره شکل‌گیری فرهنگ شهادت‌طلبی بود و خداوند در قرآن مجید در آیات بسیاری مؤمنان را دعوت به تلاش و کوشش در راه خدا و شهادت‌طلبی کرده است. آن‌گونه که می‌فرماید: «درستی مؤمنان کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان دارند و هرگاه شکی به دل راه نمی‌دهند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند و اسیر یا کشته شدند» (سوره ۴۹، آیه ۱۴).

در بهشت اسلام، رسول‌الله (ص) در دوران بعثت و هجرت، زنان و مردانی شجاع در راه شبرد اسلام حماسه آفریدند و به شهادت رسیدند؛ آن‌گونه که حسین شهید اسلام سَمِیه مادر عَمّار بن یاسر بود که بر اثر شکنجه‌های سواران مکه به شهادت رسید و رسول‌الله (ص) درباره مجاهدت‌های این خانم فرمودند: «ای خاندان یاسر جایگاه شما بهشت است» (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۱۸).

در دوره تمدن‌سازی نبوی و عصر هجرت سائر مشرکین نبردهای بدر و احد و خندق را به اسلام تحمیل کردند و مجاهدان اسلام حماسه‌های بزرگی از خود به یادگار گذاشتند؛ آن‌گونه که در پیکار بدر در سال (۵۲/۶۲۵م) ۱۴ نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند و در نتیجه فداکاری و ازجان‌گذشتگی آنان بود که مشرکان مکه شکست سختی خوردند.

در نبرد احد در سال (۵۳/۶۲۶م) در شمال مدینه منوره مسلمانان از مشرکین شکست خوردند و ۷۰ نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند. رسول‌الله (ص) درباره این شهدا فرمود: «من گواه بر این شهدا هستم»



(ابن سعد، ج ۲، ص ۴۳). از جمله این شهدا مُصْعَب بن عَمِیر پرچم‌دار مسلمانان بود که بر عهد خود وفا کرد و رسول‌الله (ص) بر بالین وی ایستاد و فرمود: «از مؤمنان کسانی هستند که بر عهد خود با خداوند وفا کردند و از ایشان برخی بر این عهد ایستادگی کردند و برخی دیگر به انتظار مقاومت کرده و بر خود تغییری ندادند» (سوره ۳۳، آیه ۲۳). از دیگر شهدای احد پیرمردی لنگ به نام عمرو بن جَمُوح بود که چهار پسر ۸، مصمم به شرکت در نبرد بودند. پیرمرد که به سختی راه می‌رفت در پی پسرانش عازم نبرد شد؛ ولی پسرانش مانع پدر شدند و گفتند: «خداوند ترا از جنگ معذور داشته است». پیرمرد که عاشق شهادت بود، به رسول خدا (ص) رسید و گفت: «آرزو دارم که با همین پای لنگ در بهشت راه بروم». رسول خدا (ص) نیز به پسرانش فرمود: «مانع او نشوید؛ شاید خداوند شهادت را روزی وی گرداند». پیرمرد در پیکار احد شرکت کرد و پس از بردی سخت به همراه یکی از پسرانش به شهادت رسید.

یکی دیگر از شهدای احد، حمزه، عموی رسول خدا (ص) بود. وی در هنگام نبرد به شهادت رسید و به دستور محمد، به مس ابوسفیان و مادر معاویه، جگر وی را پاره‌پاره کردند. رسول خدا (ص) به حمزه لقب سید الشهداء و اسدالله داد (ابن هشام، ج ۲، ص ۹۱). از دیگر شهدای احد جوانی به نام حَنْظَلَه غَسِیل الملائکه بود که شب پیکار احد عروسی کرده بود و بدون غسل جنابت در جنگ شرکت کرده بود و در هنگام نبرد به شهادت رسید. رسول خدا (ص) درباره‌ی وی فرمود: «حَنْظَلَه را فرشتگان غسل می‌دهند» (ابن هشام، ج ۲، ص ۹۰).

در پیکار خندق در سال (۵هـ / ۶۲۸م) یکی از یاران رسول خدا (ص) به نام سعد بن معاذ انصاری مجروح شد و پس از مدتی به شهادت رسید. رسول خدا (ص) فرمود: «ملائکه یکدیگر را به آمدن روح سعد بشارت می دادند و عرش خدا در مرگ سعد لرزید» (ابن هشام، ج ۲، ص ۲۵۰)

رسول خدا درباره جعفر بن ابی طالب که در سریه موته در سال (۸هـ / ۶۳۱م) در برابر رومی ها به شهادت رسید، به عیادت همسر و فرزانش رفتند و فرمودند: «خدایا! جعفر پیشگام دستیابی برای بهترین را باشد خدایا! خودت بهترین جانشین برای فرزند او باش. سپس فرمودند: خداوند بهشت برای جعفر به جای دو دستش دو بال قرار داده تا در بهشت روان کند» (واقعی، ج ۲، ص ۷۶۷).

در عصر خلافت امام علی (ع) هنگامی که پیمان شکنان در سال (۳۶هـ / ۶۵۶م) به نبرد با آن سید پرداختند، امام علی علیه السلام پس از اتمام پیکار جمل در بصره درباره شهدای سپاه خود فرمودند: «شهدای ما را با جامه خودشان دفن کنید؛ زیرا آنان با مقام شهادت محشور می شوند و من گواه آنان هستم» (شیخ مفید، ص ۳۶۲). در پیکار صفین در سال (۳۷هـ / ۶۵۷م) که معاویه فرستاده ای را برای جدایی طلبی اختیار کرد و به جنگ با امام علی (ع) پرداخت، عده ای از یاران آن حضرت همچون عمار بن یاسر و هاشم مرقال و حریمه بن ثابت به شهادت رسیدند. آن حضرت پس از شهادت عمار بر بالین وی حاضر شدند و فرمودند: «بهشت گوارای تو باد! عمار با حق و حق با او بود و همیشه حق با او خواهد بود و کشنده و سرزنش گر عمار در دوزخ است» (ابن اعثم، ج ۲، ص ۱۵۷).

امام‌علی(ع) دربارهٔ برخی دیگر از شهدای همراه خود در صفین فرمودند: «چه زبانی دیدند برادران ما که خونشان در صفین ریخت و امروز زنده نیستند؟ کجا هستند برادران من که در راه حق سوار شده و به راستی و درستی گذشتند؟ کجاست عمار؟ کجایند ابن تیّهان و زید بن ثابت؟ کجا هستند دیگر برادران همانند ایشان که با هم بر سرگ پیمان بستند؟ سپس باحالت حزن و اندوه و گریهٔ فراوان فرمود: دریغاً بر برادران من که قرآن را خواندند و آن را استوار کردند؛ سنت را زنده کرده، بدعت‌ها را راندند؛ به جهاد که فراخوانده شدند، پذیرفتند و به پیشوای خود، عتبه، داشتند و از او پیروی کردند» (فیض الاسلام، خطبهٔ ۱۸۱، ص ۵۸۶).

امام‌علی(ع) همچنین پس از شهادت مالک بن حارث اشتر نخعی که به وسیلهٔ مأموران معاویه مسکوم و به شهادت رسید، در سوگ‌نامهٔ خود فرمودند: «پاداش مالک با خدا باد. چه مالکی! به خدا قسم اگر از کوه بود، بی‌همتا بود و اگر از سنگ بود، سرسخت و محکم بود. به خدا مرگت جهانی را خُرد و جهانی را شادمان کرد. آید نمان داغ‌دیده بر مالک بگریند. آیا همانند مالک یافت می‌شود؟ مرگ بی‌انصابت بزرگ است. خدا رحمت کند مالک را که به عهد خود وفا کرد و بهش راداد و به پروردگار خود رسید» (ابواسحاق ثقفی، ص ۱۶۹).

## تأسف از عدم شهادت:

مسلمانان مجاهد و تلاشگر از همان صدر اسلام در آرزوی شهادت بودند و از اینکه در پیکارها به شهادت نمی‌رسیدند اظهار تأسف می‌کردند؛ از آن جمله امام علی (ع) از اینکه در أحد به شهادت نرسیده بود نزد رسول خدا (ص) اظهار تأسف می‌کرد. آن حضرت فرمود: «ای علم! مژده باد تو را که شهادت به دنبال تو خواهد آمد. این بشارت تحقق می‌یابد، در آن هنگام صبر تو چگونه است؟ گفتم: ای رسول خدا (ص) جنس حاضر، محل صبر و شکیبایی نیست، بلکه جای مژده و شکرگزاری است.» (نهیض الاسلام، خطبة ۱۵۵، ص ۴۹۱).

علی (ع) به امید شهادت زنده بود و زندگی با این آرزو برایش معنادار می‌گشت. در دل مؤمنین واقعی یک آرزو بوده است که خداوند شهادت را روزی آنان گرداند. یکی از مسلمانان که هر شب از ماه رمضان می‌خوانند این است: «خدایا! به یلۀ رحمت ما را در جرگۀ شایستگان وارد کن و به درک شب قدر در ریات خانۀ کعبه و شهادت در راه خودت موفق بدار» و در دعای روزه‌ی ما، رمضان آمده است: «خدایا! نام مراد زمرۀ سعادت‌مندان قرار ده و روحم را با شهیدان همراه گردان» (مکارم شیرازی، ص ۷۱۰ و ۷۴۷).

## رابطۀ جهاد و شهادت:

فرهنگ شهادت‌طلبی از عصر رسول‌الله (ص) به همراه جهاد در راه خدا شکل گرفت و جهاد مسئولیت شهید است. مقدمۀ شهادت ایمان به خداوند، هجرت در راه خدا و جهاد در راه خداوند است. جهاد

یکی از پایه‌های فروع دین و باید‌ها و نباید‌های دین اسلام است و قرآن جهاد را منحصرأ نوعی دفاع می‌داند و تنها وقتی تجاوز و تعدی وقوع پیدا کند، اجازه جهاد در راه خدا می‌دهد. آن گونه که می‌فرماید: «با کسانی که با شما می‌جنگند و به تعدی و تجاوز دست زده‌اند، بجنگید؛ ولی متجاوز نباشید و خداوند متجاوزان را دوست ندارد» (سوره ۲، آیه ۹۰). بدین سان از دیدگاه اسلام با متجاوز باید جنگید و با متجاوز پیکار کرد. تجاوز نیست و باید با او جنگید تا دست از تجاوز بردارد تا ریشه نجات بخشد. خشکیده شود. قرآن می‌فرماید: «مهاجران و کسانی که با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کردند، آن‌ها را نزد خداوند مقام بلندی است و آنان نخستگان هستند» (سوره ۹، آیه ۲۰). همچنین می‌فرماید: «خدا مجاهدان را با مال و جان‌شان بر نخستگان برتری بخشیده است و همه اهل ایمان را وعده نیکوتر داده و مجاهدان بر نخستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده شده‌اند» (سوره ۴، آیه ۹۵). بدین سان اجازه جهاد تنها در مورد تجاوز و تعدی به حقوق انسان‌ها، استقلال، مال، ناموس و ارزش‌های الهی و انسانی داده شده است و از دیدگاه قرآن تجاوز عملی ننگین و ضد ارزش‌های الهی است و مقابله با تجاوز و پاسخ به آن عملی پسندیده و ارزشمند است و جهاد مقدس اسلامی است. به همین دلیل امام علی (ع) جهاد دینی را در راه خدا و در راه بهشت می‌داند که خداوند بر روی دوستان مخصوص خود گشوده است و می‌فرماید: «جهاد لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است و کسی که جهاد را ترک کند خداوند لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند» (فیض الاسلام، خطبه ۲۷، ص ۹۴).

از دیدگاه فقه‌های شیعه، جهاد بر هر مرد مکلف آزاد که از کار نیفتاده باشد، واجب است. جهاد، واجب کفائی است و مشروط است به وجود امام یا کسی که امام او را برای جهاد نصب کرده باشد (محقق حلی، ج ۱، ص ۳۰۶). بدین‌سان هر مسلمانی بدون اجازهٔ معصوم یا کسی که از سوی او ادارهٔ جامعه اسلامی را بر عهده دارد نمی‌تواند به جهاد مبادرت کند؛ زیرا جهاد یک مسئولیت الهی برای مجاهدین اسلام است و در راه خدا همراه با سه مفهوم مقدس ایمان، محبت و جهاد برکسی که لیاقت دارد، تحقق پیدا می‌کند. به همین سبب فقه‌های شیعه معتقدند: «شهید کسی است که در حضور رسول الله (ص) یا امام عادل معصوم و یا با کسی که امام او را منصوب کرده باشد و یا نایب خاص او به شهادت رسد» (شیخ طوسی، جزء ۱، ص ۱۸۱). محمد بن حسن نجفی، ج ۴ ص ۸۷). شایسته است جنازهٔ شهید بدون غسل و به جز کفش با همان لباس رزم و حمایل، کلاه، عمامه و بندهای نگهداری اسلحه و شلوار دفن شود (شیخ طوسی، جزء ۱، ص ۱۸۱). فقه‌های شیعه اجماع دارند شهید هنگامی که در میدان جنگ شهید شد نیازی به غسل و کفن ندارد (نجفی محمدحسن، ج ۴، ص ۸۹).

آبان بن تغلب روایت می‌کند: «از امام صادق علیه‌السلام شنیدم کسی که در راه خدا کشته شد، بدون غسل در همان لباس جنگ دفن می‌شود؛ مگر کسی که در میدان جنگ مجروح شده باشد و سپس به شهادت برسد. باید او را غسل و کفن و حنوط کرد و بر او نماز گذارد» (نجفی، ج ۴، ص ۸۷؛ محقق حلی، ج ۱، ص ۳۱۱).

در این صورت هر مجروحی از میدان جنگ منتقل شد و سپس به شهادت رسید، باید او را غسل و کفن و حنوط کرد و بر او نماز میت خوانده شود (شیخ طوسی، جزء ۱، ص ۱۸۱). هر کسی در میدان جنگ کشته شود حکم به شهادت او داده می‌شود؛ خواه به وسیله دشمن و یا به خطا کشته شده باشد. همچنین کسی که جُنُب باشد و در میدان جنگ کشته شود نیازی به غسل ندارد (شیخ طوسی، جزء ۱، ص ۱۸۱). به نزار می‌راند و بدن شهید بدون غسل و کفن و حنوط به واسطه سنت رسول الله (ص) در دفن حمزه و شهدای پیکار اُحد و سیره امام علی (ع) در دفن شهدای پیکار جمل و صفین است؛ زیرا خدا و ملائکه بر آنان غسل می‌دهند و آنان آگاهانه لباس رزم را انتخاب کرده‌اند و خون برای شهید پاک‌کننده است؛ چون مرگ را خودش برای سربلندی و برپایی حق انتخاب کرده است و «روح و شخصیت آن چنان پاک شده که در بدنش در خونش و حتی جامعه‌اش اثر گذاشته است و بدن شهید از ناحیه روح را اندیشه و حق پرستی و پاکبختگی‌اش کسب شرافت کرده است» (مطهری، ص ۸۱).

### ارکان شهادت:

با بررسی آیات قرآن روشن می‌شود شهادت دارای دو رکن اساسی است: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل الله باشد؛ یعنی هدف مقدس باشد و مجاهد جان‌اش را فدای هدف بلندمرتبه و مقدس می‌کند و اهداف شهید از انگیزه دنیوی و جاه‌طلبی به دور است. رکن دوم آن است که شهید آگاهانه تمام هستی خود و ارزشمندترین مال خود-

یعنی جان خود را در راه هدف مقدس فدا می‌کند. پس: «شهادت نه یک باختن که یک انتخاب است؛ انتخابی که در آن مجاهد با قربانی‌شدن خویش در آستان معبد آزادی و محراب عشق، پیروز می‌شود» (شریعتی، ص ۱۳). کسی که لیاقت جهاد پیدا می‌کند، در آن از درهای بهشت بر او باز می‌شود تا به شهادت دست یابد (فصل السلام، خطبه ۲۷، ص ۹۴).

### زند بودن شهید:

شهادت سببی آگاهانه و انتخابی و در راه خدا برای به‌خدا رسیدن است. آن‌گونه که قرآن فرماید: «گمان مبرید آنان را که در راه خدا کشته شده‌اند، مردانند خیر، آن‌ها زندگانی هستند نزد پروردگارشان و بهره‌مند از رحمتی ای او هستند» (سوره ۳، آیه ۱۶۹). در این آیه خداوند تأکید دارد شهیدان زنده‌اند؛ زیرا هدف آنان مقدس است و در راه او به شهادت رسیده‌اند و به خدا پیوسته‌اند و از انعام و هدایای او برخوردار هستند.

### منطق شهید:

اگر نور یک عارف عاشقِ لقای پروردگار را با منطق یک نفر مصلح با هم ترکیب بکنید، از آن‌ها منطق شهید درمی‌آید (مطهری، ص ۱۰۱). لذا وقتی امام حسین (ع) از مکه عازم کوفه شد، عده‌ای از مصلحان آمدند خدمت آن حضرت و ایشان را از حرکت بازداشتند. عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر، شوهر حضرت زینب، با

روشن‌بینی سیاسی که داشتند خدمت امام حسین (ع) آمدند و گفتند که کوفیان اهل خیانت هستند. ندیدید آنان با پدر و برادران چه کردند؟ عبدالله بن جعفر با نماینده‌ای از سوی فرماندار مکه آمد که به آن حضرت تأمین جانی بدهد؛ ولی امام حسین (ع) فرمودند: «به ندامت اگر در دهلیز خزندگان باشم، بیرونم می‌کشند تا کار خودشان را انجام بفرمایند» (طبری، ج ۴، ۲۸۹). امام حسین (ع) در مسیر راه، نصیحت فریق شاعر را که گفت: «دل‌های مردم با توست و شمشیرهایش با بنی‌امیه» را رد کرد؛ زیرا وی بیشتر از هر کس شرایط اجتماعی و روانکاو کوفیان را می‌شناخت؛ ولی نامه‌های شیعیان کوفه و رسالت‌الهی احیای امامت الهی و اصلاح امت و استواری بر میثاق و هدایت‌طلبی وی را بر آن داشت تا با صلابت هر چه تمام‌تر مسیر خود را ادامه دهد. آن حضرت هنگامی که خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را شنید، برای آزمودن یارانش گفت: «شیعیان! تنها گذاشتند. هر کس می‌خواهد بازگردد». مردمی که هدف دیگری داشتند، از همراهی با حسین (ع) خودداری کردند و پراکنده شدند. ولی امام حسین (ع) و یاران راستین وی استوار و مشتاقانه گام در ادامه را نهادند و در شب عاشورا نیز امام حسین (ع) یاران و خویشاوندانش را آزاد گذاشت تا خود مسیر شهادت را انتخاب کنند و به آنان گفت: «من یارانی بهتر از شما سراغ ندارم و خاندانی نیکوکارتر و مهربان‌تر از شما ندیده‌ام. همه شما آزاد هستید و بیعتی از من بر گردن شما نیست و از تاریکی شب استفاده کنید و به هر سو که می‌خواهید بروید»

(طبری، ج ۴، ص ۳۱۷). لذا مشتاقان شهادت یکی یکی سخن گفتند. خاندان وی گفتند: «برای چه این کار را انجام دهیم؟ برای اینکه پس از تو زنده باشیم؟ هرگز! خداوند آن روز را برای ما پیش نیاورد» (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۴). یکی از یارانش به نام سعید بن عبد الله حنفی گفت: «به خدا اگر هفتاد بار کشته شوم و سپس زنده دردم و زنده مرا بسوزانند و خاکستر مرا بر باد دهند، از تو جدا نمی شوم. پیش تو کشته شوم» (طبری، ج ۴، ص ۳۱۷) و زهیر بن قین گفت: «به خدا دوست دارم هزار بار کشته شوم و دوباره زنده شوم و سپس بشم سوم تا خدا مرا از تو و خاندانت دور کند» (طبری، ج ۴، ص ۳۰۹).

امام حسین (ع) نیز در برابر سپاه خُر بن یزید گفت: «به راستی در چنین شرایطی مؤمن باید شهادت یدار خدا باشد. من مرگ را جز نیک فرجامی نمی دانم و زندگی با ستمگران را جز ذلت نمی بینم» (طبری، ج ۴، ص ۳۰۰) و در روز عاشورا فرمود: «به دور است که من زیر بار ذلت بروم. وای بر شما! اگر دین ندارید و از روز جزا نمی ترسید، در زندگی آزادانه باشید» (طبری، ج ۴، ص ۱۲۴). بدن او را در منطق شهید سوختن و فداشدن و روشنگری است. «منطق جان دادن و جذب شدن در جامعه برای احیاء جامعه است. منطق دمیدن روح به اندام های مرده ارزش های انسانی است. منطق حماسه آفرینی است» (مطهری، ص ۱۰۳).

آری؛ حماسه کربلا گفتمان دو روی سکه تاریخ بشر و انبیای الهی است که یک روی آن همه خوبی‌هاست و روی دیگر آن همه پلیدی‌ها و زشتی‌هاست. این حماسه‌آفرینان اعتقاد قلبی و باور بنیادین به فرهنگ شهادت و حیات ابدی داشتند. آنان سمبل اخلاق و دیانت و خیر و راستی و دشمن شر و نادرستی بودند. قهرمانان عاثر را پرچمدار حماسه‌آفرینی، آزادی و عزت و گنجینه‌های ارزشمند فرهنگ و هویت اسلامی و شیعی هستند که زمینه‌های تداوم شیعه را همواره در تاریخ فراهم آورده‌اند. این نشاط و شوق شهادت از اسلام تاکنون در میان مسلمانان جریان دارد و از آن جمله در دوران جنگ تحمیلی دولت بعثی عراق علیه ایران، بسیاری از شهدا بارها مجروح می‌شدند و به اشتیاق شهادت به جبهه‌ها بازمی‌گشتند و در عملیات شرکت می‌کردند و نقش مهمی از خود به یادگار می‌گذاشتند و در عملیات دیگری به شهادت می‌رسیدند. حتی مادران به پسرانشان اجازه می‌دادند تا در جبهه‌ها حضور یابند و به شهادت برسند. در دوران جنگ تحمیلی شاهد از یک خانواده چهار فرزند به شهادت رسیده است. امام خمینی درباره این شهدا فرمودند: «شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی رضایان عند ربهم یرزقون‌اند». (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۱۴۷)

## زیارت شهدا:

در عصر رسول الله (ص) در میدان جنگ، هنگامی که عده‌ای از مجاهدان به شهادت می‌رسیدند، آن حضرت گواهی می‌داد اینان شهدا هستند (ابن هشام، ج ۲، ص ۹۸). سپس می‌فرمود: «ای مردم! به آن شهدا و زیارتشان بروید و به آنان سلام کنید. قسم به کسی که جانم در دست اوست هیچ سلام‌کننده‌ای به آنان نیست که در روز قیامت پاسخ سلام آنان را دریافت نکند» (ابن سعد، ج ۳، ص ۱۲۱).

رسول خدا (ص) به زیارت قبور بقیع و شهدای اُحد و زیارت مادرشان در ابواء می‌رفت و بر آنان درود می‌فرستاد (ابن سعد، ج ۲، ص ۲۳۹). به همین سبب، رسول الله (ص) الگویی برای مسلمانان شد تا به زیارت قبور شهدا بروند و با آنان ارتباط معنوی برقرار کنند و حاجات خود را از آنان طلب کنند زیرا براساس عقیده اسلامی مرگ به شیوه شهادت نوعی زندگی است و شهدا زنده هستند و زائر در عرصه حماسه شهید وارد می‌شود و پیام‌نداری و ازجان‌گذشتگی شهید به زائر منتقل می‌شود و موجب تحول فکری و معنوی وی می‌شود. به همین دلیل فرهنگ شهادت و زیارت بر اسلام موجب تداوم پیام‌ها و ارزش‌های اسلامی و شیعی می‌شود و روح فداکاری و ازجان‌گذشتگی را در زائران زنده می‌گداند.

امروزه مرقد امامان و شهدا و آرامگاه امامزادگان و بزرگان دین در جهان اسلام محل زیارت مسلمانان است و این زیارتگاه‌ها در دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام تأثیر فراوان داشته است.

### شفاعت شهید:

روح و شخصیت شهید بر اثر تلاش و کوشش و عبادت و بندگی چنان پاک می‌شود که به مقام عرفان و کشف و شهود نائل می‌شود و به حیات طیبه و رضایت الهی می‌رسد و خداوند به پاس همین فکارتی است که به شهید مقام شفاعت عنایت می‌کند. به گونه‌ای که قرآن می‌فرماید: «هر کس در جهاد در راه خدا کشته شد یا فاتح گردید به زردی او را پاداش بزرگی بدهیم» (سوره ۴، آیه ۷۴). و یا می‌فرماید: «به کسی که در راه خدا کشته شد نگویید مرده است؛ بلکه او زنده است ولیکن شما می‌دانید» (سوره ۲، آیه ۱۵۴). از این آیات به خوبی روشن می‌شود که تمام شخصیت انسان بدن خاکی او نیست که با مرگ و فناء بدن و پوشیدن آن و متلاشی شدن جسم فانی شود؛ بلکه شخصیت انسان چیز دیگری به نام «روح» است که خداوند در جسم انسان دمیده است (سوره ۱۵، آیه ۲۹ و سوره ۳۸، آیه ۷۲) و این روح مادی و جسمانی نیست و حیاتی همیشگی و طایفه دارد و این پاداش بزرگ همان مقام حیات ابدی است که شهید می‌تواند به آن دست یابد و شفاعت کند. شهدای اسلام به انواع حکمت و گوه اخلاقی آراسته و به شجاعت و شهامت ملتبس و در سیمایشان نشانه عابدان عارفان و اهاد بی ادعا نمایان و بر صحیفه قلبشان یقینی استوار بود.

### شهید، اسوه مسلمانان:

با بررسی تاریخ و جامعه بشری بر ما روشن می شود که بیشتر افراد جوامع از عموم مردم هستند و تنها گروه کمی از آن ها از نخبگان و قهرمانان اند. گروه اول ناگزیر به همانندسازی و الگوسازی برای خود هستند. نیروی همانندسازی فطری و اکتسابی افراد به گونه ای هستند که به یادماندگی و غیرهوشیارانه برای حفظ شخصیت خود سعی می کند افرادی را که برای وی جاذبه دارد به عنوان الگو بپذیرد. مکانیسم دفاعی، عدم بصیرت، محسوس گرایی و جاذبه قهرمانان موجب می شود انسان با خود آگاهی برای حفظ استقلال شخصیت خود به اسوه سازی پردازد. مردم در حیات خود ستاره هایی را برای خود انتخاب می کنند تا از نور آنان روشنایی گیرند. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «أَلَا وَبِئْسَ مَأْمُومٌ إِمَامًا، يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَفِئُ بِنُورِ عِلْمِهِ: أَگاه باش! هر پیروی را پیش وایی است که از او پیروی می کند و از نور دانشش روشنی می گیرد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹)، نامه ۴۵، ص ۵۵۲). شناخت امام نیاز به بصیرت و یدایی در راه حق و شناخت مواضع حق دارد؛ به گونه ای که امام علی (ع) فرمود: «تَوَلَّاهُ يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلَ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمَ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» (فیض الاسلام، خطبه ۱۷۳، ص ۳۲۸).

فرماندهان شهید، دلاوران و حماسه آفرینان همیشه ستودنی تاریخ هستند. این قهرمانان سرمایه اجتماعی بسیار گران قدری برای تحولات جوامع هستند و چنانچه به نماد تبدیل شوند، در هویت و فرهنگ و عناصر و ابزارهای فرهنگی جوامع به عنوان اسوه بازتاب خواهند داشت.

برخی از این قهرمانان چنان جایگاهی خواهند یافت که همچون فریدون و رستم و آرش کمانگیر قهرمانان شاهنامه حکیم فردوسی در تاریخ فرهنگ ایران، حمزه سیدالشهدا، ابوذر، حجر بن عدی و حسین بن علی علیه‌السلام، حضرت عباس بن علی، حبیب بن مظاهر، زهیر بن زینب جلی و سعید بن عبدالله حنفی در تاریخ اسلام، اثری پایدار و برای ابدت جاودانه داشته‌اند. این قهرمانان دیگر یک اثر و بنای تاریخی نیستند که در سر حوادث دچار آسیب و تخریب شوند؛ بلکه هیچ‌گاه از خادمانه ایمان، زوده نخواهند شد و اثر جاودانه در هویت و فرهنگ ایران خواهند داشت.

### فرماندهان شهید، استان اصفهان:

تحت تأثیر تربیت والدین متدین و متشرع خود، افرادی بالایمان و متدین و عامل به احکام اسلامی بودند. عشق به اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام در قلب آنان مالا مال بود. آنان در مدرسه تربیتی جبهه چنان تعالیم عرفان عملی را می‌دیدند که خیلی زود متحول می‌شدند و راه طولانی سلوک و عرفان را خیلی سریع طی می‌کردند. آنان جزو عرفایی می‌شدند که پیوسته اهل ذکر و دعا و نیایش شبانه بودند. در صحنه اجتماعی خوش‌برخورد و سلیم‌النفس و مهربان و درست‌دار رزمندگان و مؤمنین بودند. رزمندگان داوطلب از همه شهرهای استان اصفهان به‌ویژه در سال‌های نخستین جنگ تحمیلی به جبهه‌ها می‌آمدند؛ مانند گردان مسلم اعزامی از اصفهان که در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۷ شمسی به دارخوین آمدند و یا گردان شهید سروان

صفری که از نجف آباد به اتفاق ۴۰۰ نفر به آبادان رفت و در جبهه ذوالفقاریه مستقر شد و یا گردان شهید غلامرضا مؤذنی از خمینی شهر که در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۸ شمسی در جبهه ذوالفقاریه مستقر شدند و یا نیروهای اعزامی از نجف آباد که به فرماندهی شهید غلامرضا محمادی، شهید احمد کاظمی در جبهه فیاضیه مستقر شدند.

در مدرسه تربیتی جبهه ها چنان مراحل آموزش نظامی و خودسازی و عرفان الهی و عبودیت و مجاهدت و سلوک شهادت طلبی را طی می کردند که خود را یکسره از تمنیات دنیوی می بریدند و بهترین و بزرگ ترین سرمایه خرد را، که جانشان بود، در طبق اخلاص قرار می دادند و فارغ از هر گریه و ماتمی دنیوی خود را در معرض تیر و ترکش آتش گلوله باران شدید انراغ سلاح های مجهز دشمن یعنی قرار می دادند. این رزمندگان شجاع پهلوانان جاودان بودند که دست تمامی قهرمانان تاریخ را از پشت سر بسته بودند و در صحنه جنگ از روحیه بسیار بالایی برخوردار بودند و همچون یرثیان، با دلاوری و بی محابا به متجاوزان یعنی حمله ور می شدند و با سماحت و مصلحت گذشت، جانشان را در راه رضای خداوند می فروختند؛ زیرا از پیش خود را برای پرواز و شهادت در مدرسه عشق و عرفان آماده کرده بودند.

حضور در جبهه از آنان افرادی مقاوم و پرتحرک، دلیر و شجاع ساخته بود. آنان در مشکلات و سختی های جبهه بسیار صبور و پائیدار و خستگی ناپذیر بودند. زرق و برق و مقام دنیا برای آنان بی معنا بود و هنگامی که مسئولیتی به آنان می دادند به سختی می پذیرفتند. تلاش و کوشش در راه خدا را بر خواب راحت در رختخواب ترجیح

داده بودند. رفتار اجتماعی و سبک زندگی آنان چنان بود که گویی در یک آرمان‌شهر زندگی می‌کردند. اخلاق و رفتار آنان انسانی و الهی بود و نسبت به هم‌زمانشان در فداکاری و ازجان‌گذشتگی برای همدیگر و اعمال پسندیده مثل ادب و اخلاق و پیش‌سلامی بر هم سبقت می‌جستند. آنان ظروف غذا و لباس همدیگر را می‌شستند و پوتین‌های یکدیگر را مخفیانه واکس می‌زدند. آنان زاهد واقعی بودند که از دنیا برداشت کم و با ده زیاد داشتند. در روز دایم‌الذکر و عامل مستحبات و نوافر بودند و سحرها با شب‌زنده‌داری و عبادت شبانه در سنگرهای انفرادی با گریه و زاری روح خود را برای پرواز آماده می‌کردند.

آری؛ یکی از بزرگ‌ترین انقلاب اسلامی ساختن این رزمندگان بود که ده صدساله را در یک شب سال می‌کردند. در روز شیر غرنده و توفنده و در شب عارف و زاهد بودند. امام خمینی رضوان‌الله علیه می‌فرماید: «خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبیه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی‌پایان حق تعالی بر شهیدان این خط است. طول تاریخ و افتخار و سرفرازی بر فرزندان پُرتوان پیروزی‌آفرین اسلام، شهدای راه آن و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب، خصوصاً شیطان بزرگ، آمریکای جنایت‌کار که با نقشه‌های شیطانی شکست‌خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام کرده و هزاران شهید و معلول تقدیم کرده، با این دغل‌بازی‌ها می‌تواند سست کند و یا از میدان به دربرد.

اینان پیروان سید شهیدان‌اند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش‌ماهه تا پیرمرد هشتادساله را قربانی کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده کرد و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه‌چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا کرده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند» ۱۳۶۰/۶/۲۰ روح‌الله الموسوی الخمینی (صحیفه امام ج ۱۵ ص ۲۲۵-۲۲۷).

این سبازان و فرماندهان شجاع و باصلابت دوران دفاع مقدس بالندگی خود را در فرهنگ دوستی اهل بیت و جبهه و شهادت به دست آوردند. نام و یاد آنان نشان از آزادی فداکاری و گذشت و ایثار و عشق و شور شوق لقاءالله دارد. این قهرمانان بزرگ نام و خاطرشان برای همیشه در تاریخ ایران جاویدان خواهد ماند. آنان یک سرمایه عظیم اجتماعی هستند که اسوه ملت شجاع ایران باقی خواهند ماند؛ زیرا به نماد و سمبل مقاومت و شهادت‌طلبی تبدیل خواهند شد. اینان از قهرمانان بی‌نظیر تاریخ ایران و اسلام می‌گردند؛ شهیدانی که شاید هستند و نزد پروردگار خود متنعّم‌اند و دارای کرامتی بی‌پایان خواهند بود.

کتاب «فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ» سرگذشت خردنندهان شهید استان اصفهان و نقش آنان در دگرگونی‌های دوران دفاع مقدس است که حاصل طرح پژوهشی مشترک میان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان و معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان است. این طرح با تحقیق و پژوهش بر روی اسناد و مصاحبه بسیار طی پنج سال از سوی مجری و همکارانش تألیف و تدوین گردید.

شایان توجه است، کار مهندسی اسناد و جمع‌آوری آثار و مستندسازی آنها با ایجاد مرکز گنجینه اسناد و آثار شهداء و به صورت مکتوب و الکترونیک و کتب مرتبط و اصلاح تصاویر و اطلاعات شهداء و تشکیل جلسات کارشناسی کمیته فنی کتاب و ارائه نقطه نظر لازم به نویسندگان، بخشی از فرآیند تولید و تألیف این فرهنگ‌نامه می‌باشد.

در پایان، شایسته است از استادان و دانشجویانی که مؤلف را در کار تحقیق و پژوهش یاری‌رسان بودند، قدردانی شود؛ آقایان دکتر سعید بوفیق، دکتر مهدی عزتی، امیر احمد صمدی، علی ملائی، محمد مطهرانی، سردار سیدعلی بنی‌لوحی و سردار حسین رضایی اردستانی و دیگر رزمندگان و سرداران دوران دفاع مقدس که با قبول مصاحبه‌ها ما را یاری رسانیدند، سرکار خانم طیبہ بستگانی، ویراستار و خانم معصومه دهقانی، دستیاران فرهنگی، تشکر و تقدیر بنمائیم. همچنین بایسته است از ریاست محترم بنیاد جناب آقای داریوش وکیلی و آقای سیدعلی خریشی، معاون فرهنگی و آموزشی و حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی عبدالدین رئیس اداره انتشارات و خانم مرضیه عبدالهی کارشناس اداره انتشارات بنیاد و معاونت محترم پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، مدیر محترم دفتر ارتباط با صنعت و جامعه و کارشناس این دفتر، آقای رضوانی، راعی و کسانیکه ما را در انجام این طرح یاری رسانیدند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

اصغر منتظرالقائم

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان